

آینه پژوهش

سال سی و هفتم، شماره سوم
مرداد و شهریور ۱۴۰۵
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۹

۲۱۹

دوماهنامه
آینه پژوهش

سال سی و هفتم، شماره سوم
مرداد و شهریور ۱۴۰۵

سیدعلی میرافضلی | والتر برونو هنینگ / سید احمد رضا قائم مقامی | امید حسینی نژاد | مجید جلیسه
حبیب الرحمن شروانی / شیوا امیرهدایی | آریا طبیب زاده | رقیه فراهانی | کمال الدین دعایی | میلاد بیگدلو
حیدر عیوضی | علی راد | اصغر ارشاد سربابی | منوچهر فروزنده فرد | محمّد جوکار باصری | مهدی مهریزی
محمد هادی توکلی | رضا استادی | سیدعلی کاشفی خوانساری | سعید مهدوی فر | جویا جهاًنبخش
فرهاد طاهری | رسول جعفریان

فهرست شاعران سفینه رباعیات استانبول: دستنویس شماره ۱۲۰۳ کتابخانه دانشگاه استانبول
| دو خطا در روایات عربی در باب مانویّت | خراسانیات (۹): تحفه ای گرانقدر از میراث گمشده صاحب بن
عباد در نیشابور قرن چهارم قمری | چاپ نوشت (۲۴): رسانه چاپ و بازآرایی منازعات فرقه ای در شبه قاره
هند؛ مطالعه موردی تحفه اثناعشریه، صوارم الالهیات و حسام الإسلام | مطالعات زبان و ادب فارسی در
شبه قاره (۳): قصاید مطهر | یادداشت های لغوی و ادبی (۸): درباره «ایش» و «ایش شاء الله» و «ایشالا»
| اشعار تازه یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر: مقاله نهم، اشعار نویافته از ابراهیم
پورداوود | مجموعه های ویراسته در نشر دانشگاهی: راهنمای جامع گونه ها | قطعه ای از تاریخ ترجمه
عربی به فارسی | آینه های شکسته (۱۴): «مُسَوِّمین» (آل عمران: ۱۲۵) در ترجمه های قرآن؛ رویکرد ریشه
شناختی در برابر داستان سرایی | طومار (۱۶): نردبان شکسته (۹): تحلیل انتقادی مصادر اسطوره حفظ
نقد و بررسی کتاب مجمع النوادر (کتابی از میراث داستانی شبه قاره) | درباره «نگاهی به واژگان لغت
فرس» | نقدی بر مقاله «امامت و ولایت در محقق ترجمه ای جدید از قرآن کریم» | نگاهی تحلیلی به
کتاب موسوعة المباحث الاصولية و ادلتها | بررسی انتقادی «سیدرضی لاریجانی و مکتب عرفانی تهران»
| کتابشناسی جامع آیت الله رضا استادی

نکته، حاشیه، یادداشت

پیوست آینه پژوهش: ♦ حسرت تمدنی و ایدئولوژی احیا در یک منظومه فارسی شبه قاره

Ayeneh-ye- Pazhooresh

Vol.37, No.3

Aug - Sep 2025

A bi-monthly journal exclusively
review & information dissemination

219

dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture



پرتال
دوماهنامه
آینه پژوهش
Jap.isca.ac.ir

خراسانیات (۹)

تحفه‌ای گرانقدر از میراث گمشده صاحب بن عباد در نیشابور قرن چهارم قمری

دانشجوی دکتری دانشگاه تهران | امید حسینی نژاد

| ۴۹ - ۶۳ |

۴۹

آینه پژوهش | ۲۱۹

سال ۳۷ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۵

چکیده: «صاحب بن عباد» (۳۲۶-۳۸۵ ق)، شاعر، ادیب و وزیر دانشمند شیعی دولت آل بویه در قرن چهارم هجری بود که نقش مهمی در تشیع مردم اصفهان داشته است. ابن عباد هنگام وزارت، در اجرای عدالت، رفع ستم از مردم، عمران و آبادی و ترویج علم بسیار کوشید. صاحب در بسیاری از علوم و فنون صاحب نظر بود و آثار ارزشمندی مانند الإبانة عن مذهب أهل العدل والتذکرۃ فی الأصول الخمسة را تألیف کرد.

«روزنامه» صاحب بن عباد یکی از رساله‌های ارزشمند او و شرح سفرش به بغداد در سال ۳۴۷ قمری است. ثعالبی نیشابوری و یاقوت حموی نقل‌هایی از این رساله در کتاب‌های خود آورده‌اند. ثعالبی نخستین کسی است که نقل قول‌هایی مستقیم از آن کرده است؛ اما این رساله حدود هفت قرن مفقود بود و هیچ‌یک از نسخه‌پژوهان و پژوهشگران خبری از این رساله نداشتند. چندی پیش مشغول بررسی نسخه‌های کهن کتابخانه آستان قدس رضوی بودم و ناگهان به مجموعه‌ای کهن از رساله‌هایی ارزشمند برخورد کردم. این مجموعه به شماره ۱۲۵۰۲ شامل رساله تدبیرالصحیح بالمطعم والمشراب ابوزید حنین بن اسحاق العبّادی (م ۲۶۱-۲۶۴ ق)، رساله اظهار مساوی شعرابی الطیب المثنی صاحب بن عباد و رساله روزنامه صاحب بن عباد است. این مجموعه به خط یک کاتب در شنبه سیزدهم جمادی‌الآخر سال ۳۹۶ قمری، یعنی یازده سال پس از وفات صاحب بن عباد در نیشابور کتابت شده است.

کلیدواژه‌ها: صاحب بن عباد، روزنامه، بغداد، اصفهان، ثعالبی، نیشابور.

Khurāsāniyyāt (9)

A Precious Work from the Lost Legacy of al-Šāhib ibn 'Abbād in Fourth/Tenth-Century Nishapur
Omid Hosseini-najad

Abstract: Al-Šāhib ibn 'Abbād (326–385/938–995), a poet, man of letters, and learned Shiite vizier of the Buyid dynasty in the fourth/tenth century, played an important role in the spread of Shiism among the people of Isfahan. During his vizierate, Ibn 'Abbād devoted considerable effort to administering justice, protecting people from oppression, promoting development and prosperity, and advancing scholarship. He was an authority in numerous fields of learning and authored such valuable works as *al-Ibāna 'an madhhab ahl al-'adl* and *al-Tadbkira fi al-uṣūl al-khamsa*. Al-Šāhib ibn 'Abbād's *Rūznāmajab* is one of his valuable treatises and contains an account of his journey to Baghdad in 347/958–959. Al-Tha'libi al-Naysābūrī and Yāqūt al-Ḥamawī preserved excerpts from this treatise in their works, with al-Tha'libi being the first author known to quote directly from it. The treatise itself, however, remained lost for approximately seven centuries, and its whereabouts were unknown to manuscript scholars and researchers. While recently examining early manuscripts held in the Library of Āstān-i Quds-i Raḍāvi, I happened upon an early collection of valuable treatises. Catalogued under no. 12502, the codex contains *Tadbir al-šibha bi-l-ma' am wa-l-masrab* by Abū Zayd Ḥunayn ibn Ishāq al-'Ibādī (d. 261–264/875–878), *Izhār masāwī 'shī' Abī l-Tayyib al-Mutanabbī* by al-Šāhib ibn 'Abbād, and his *Rūznāmajab*. All three treatises were copied by the same scribe in Nishapur on Saturday, 13 Jumādā II 396/1006, only eleven years after al-Šāhib ibn 'Abbād's death.

Keywords: al-Šāhib ibn 'Abbād, *Rūznāmajab*, Baghdad, Isfahan, al-Tha'libi, Nishapur.

ابوالقاسم، اسماعیل بن عباد ملقب به صاحب (۳۸۵ - ۳۲۶ ق)، کافی الکفاه ادیب، نویسنده، شاعر و وزیر شیعه مذهب دربار رکن الدوله، مؤید الدوله و فخرالدوله دیلمی بود. صاحب بن عباد در ذی القعدة^۱ سال ۳۲۶ قمری^۲ از خاندان ایرانی^۳ متولد شد. اسم وی اسماعیل و کنیه اش ابوالقاسم است و القابش «صاحب»، «کافی الکفاة»،^۴ «الکافی الأوحد»^۵ و «امین» بوده است. تذکره نویسان در مولد صاحب اختلافاتی دارند؛ از جمله ابن خلکان در وفیات الاعیان می نویسد: مولد صاحب بن عباد استخر بوده و بعضی گفته اند طالقان است، و بعد توضیح می دهد که مراد طالقان قزوین است نه خراسان. یاقوت نیز در معجم الادباء^۶ او را از مردم طالقان می داند و چنین گفته است که طالقان ولایتی است میان قزوین و ابهر و در خراسان هم شهرکی طالقان نام وجود دارد و آن جز این طالقان است. نظامی عروضی در چهار مقاله او را به ری منسوب کرده است و ابن شهر آشوب در معالم العلماء او را اصفهانی خوانده است. ابومنصور عبدالملک ثعالبی متوفی در سال ۴۲۹ قمری که معاصر صاحب بوده است، در جزء سوم یتیمه الدهر می نویسد: «طالقان که صاحب را بدان نسبت داده اند، از قرای اصفهان است» و این قول که اصح اقوال است، بعض تناقضات را رفع و وجه اشتباه پاره ای از مؤلفان را نیز واضح می سازد که چون از طالقان اصفهان بی خبر بوده اند، به اشتباه افتاده و صاحب را به طالقان قزوین نسبت داده اند.^۷

صاحب مقدمات تحصیل را در همان موطن خود گذراند و پس از آموختن مقدمات به تحصیل علوم ادبی، فقه، حدیث و اصول مذهب پرداخت. در همان عنفوان جوانی به خدمت ابن العمید درآمد و کاتب او شد.

زمان رفتن صاحب از اصفهان به ری معلوم نیست و آنچه تاحدی محقق می باشد، این است که این انتقال بعد از سال ۳۳۵ قمری بوده است؛ زیرا رکن الدوله در این سال دست منازعان را از ری کوتاه و آن شهر را تصرف کرد.^۸ او در ری به کسب علم و مدتی هم در دیوان ابن العمید به کتابت مشغول و با فرزندان رکن الدوله به ویژه مؤید الدوله معاشر و محشور بود. صاحب پیش از سال ۳۴۷ یا دست کم در

۱. حموی، معجم الأدباء، ج ۶، ص ۱۷۱.

۲. ابن اثیر جزیری، الکامل فی التاریخ، ج ۸، ص ۳۵۲.

۳. همینار، صاحب بن عباد: شرح احوال و آثار، ص ۳۳.

۴. امین، اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۳۲۹.

۵. ابن مسکویه، تجارب الامم، ج ۷، ص ۳۰۹.

۶. حموی، معجم الأدباء، ج ۶، ص ۱۶۸.

۷. بهمنیار، صاحب بن عباد: شرح احوال و آثار، ص ۳۵.

۸. ابن مسکویه، تجارب الامم، ج ۶، ص ۱۳۹.

همین سال به کتابت مؤیدالدوله پسر رکنالدوله انتخاب شده است؛ دلیل بر این مطلب، نامه ابن العمید به اوست که یاقوت در معجم الادبا به روایت از ابوحنیان توحیدی نقل کرده است.^۱

ابن مسکویه در تجارب الامم در حوادث سال ۳۴۷ قمری می نویسد: «و هم در این سال ابومنصور بویه بن رکنالدوله به اتفاق وزیر خود علی بن ابی الفضل کاشانی و کاتب خود ابوالقاسم اسمعیل بن عباد به بغداد رفت و در بغداد دختر عم خود معزالدوله را تزویج و در شب سوم جمادی الاولی با او زفاف کرد و او را با خود به اصفهان برد».^۲ بر اساس این خبر می توان گفت صاحب بن عباد در خدمت ابن العمید در کوتاه ترین زمان به درجه ای بالا از مهارت و دانش رسیده بود.^۳ صاحب سال ۳۴۷ قمری به همراه مؤیدالدوله به بغداد رفت و در بغداد با عالمان و فضلا و فقیهان و متکلمان و متصوفه معاشرت کرد و در حوزه های تدریس و مجالس علمی داخل شد و با بعضی از دانشمندان از جمله سیرافی نحوی مباحثه و مناظره کرد؛ او شرح معاشرت و ملاقات ها و مناظرات خود را در دفتری به نام «روزنامه» می نوشت و پس از بازگشت به اصفهان آن مجموعه را به استاد خود ابن العمید اهدا کرد.^۴

۵۲

آینه پژوهش | ۲۱۹
سال ۳۷ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۵

ثعالبی نیشابوری نخستین کسی است که نقل های مختلفی از رساله «روزنامه» را در یتیمه الدهر نقل کرده است.^۵ یاقوت حموی نیز گاهی با تکیه بر نقل های ثعالبی و گاهی نیز با تکیه بر منابع مکتوب خود از این رساله نقل می کند و ذکر مجالست ها و مناظرات او را یادآور شده است. طبق نقل های ثعالبی و یاقوت، صاحب با دانشمندی چون ابوسعید حسن بن عبدالله مرزبان سیرافی (م ۳۶۸ ق)، ابوبکر محمد بن یعقوب مقسم (م ۳۵۴ ق)، قاضی ابوبکر احمد بن کامل (م ۳۵۰ ق)، ابوزکریا یحیی بن عدی (م ۳۶۴ ق)، ابوالحسن علی بن هرون بن المنجم (م ۳۵۲ ق) و احنف عکبری دیدار کرده است.

ریشه شناسی «روزنامه»

«روزنامج، رُزنامج، روزنامه» معرب «روزنامگ» پهلوی و مرکب از «روز» و «نامگ» به معنی نامه و کتابت و دفتر است.^۶ به عبارت دیگر صورت روزنامه از قدیم از عربی وارد فارسی شده است.

۱. حموی، معجم الأدبا، ج ۶، ص ۱۷۵. ابن مسکویه، تجارب الامم، ج ۶، ص ۱۳۹.

۲. همان، ج ۶، ص ۱۴۹.

3. P54, Licit Magic: The Life and Letters of al-Ṣāhib b. 'Abbād, Pomerantz.

۴. بهمنیار، صاحب بن عباد: شرح احوال و آثار، ص ۱۱۲.

۵. ثعالبی نیشابوری، یتیمه الدهر، ج ۲، ص ۲۶۹ و ج ۳، ص ۱۳۴.

۶. معین، فرهنگ، ج ۲، ص ۳۵۷.

فارسی‌زبانان که از آن پس هر دوی این کلمات را به کار می‌برده‌اند، «چه» در روزنامه‌چه عربی را «چه» تصغیر فارسی پنداشته و به همان صورت تلفظ کرده‌اند. با شیوع استعمال روزنامه‌چه که یک اصطلاح اداری بود و بسیاری از مردم به‌ویژه دیوانیان با آن سروکار داشته‌اند، «چه» از این کلمه انتزاع شد و به بسیاری از کلمات دیگر فارسی که با کلمه «نامه» ساخته شده بوده‌اند نیز چسبیده است و به این ترتیب صورت‌های اجاره‌نامه‌چه و قباله‌نامه‌چه و جز آن به وجود آمده است.^۱

روزنامه‌ج در سده‌های نخستین اسلامی، دفتری بود که در آن همه امور مالی، پیش از انتقال به اوارچه به صورت روزانه ثبت می‌شد.^۲ در دوره اول عباسیان، روزنامه‌ج/روزنامه‌چه، دفتری بود که برای ثبت امور مالی استفاده می‌شد.^۳ در دوره آل بویه، عواید خراج و میزان درآمدها روزانه در دفتر روزنامه‌ج ثبت می‌شد و نیز اموالی که سالانه گردآوری می‌شد، پس از تطبیق با روزنامه‌چه‌ها، وارد خزانه می‌گردید. در این دوره، مسئول تدوین روزنامه‌چه، کاتب روزنامه‌ج نام داشت که مشرف و ناظر «جَهَبَنْد» نیز بود.^۴

یکی از مهم‌ترین وظایف دیوانی جَهَبَنْد، دریافت مالیات‌ها بود. این کار بر اساس فهرستی از مالیات‌دهندگان موسوم به «جریده» یا «قانون الخراج» صورت می‌گرفت که مشتمل بود بر نام اشخاص و مبلغ مالیات آنها و ستونی که نشان می‌داد مؤدی همه یا بخشی از مالیات خود را پرداخته است.^۵

جَهَبَنْد همچنین ملزم بود هر روز گزارشی مشتمل بر فعالیت‌های مالی روزانه خود و زیردستانش یعنی کارهایی که به عنوان کارگزار دیوانی و دولتی انجام می‌داد، اعم از دریافت‌ها و پرداخت‌ها و بستانکاری‌ها و بدهکاری‌ها و جز آنها را به رؤسای خود تقدیم کند. این گزارش‌ها را «روزنامه‌چه» یا «روزات» می‌خواندند؛ گزارش ماهانه او را «الْحَتَمَه» و گزارش سالیانه مالی او را «الْخَتَمَه الْجَامِعَه» می‌نامیدند.^۶

«روزنامه‌چه» صاحب بن عباد

رساله «روزنامه‌چه» دربردارنده یادداشت‌های روزانه صاحب بن عباد است از رخدادها، گفتگوها و دیدارهایی که با دیگران به‌ویژه هنگام همنشینی با «ابومحمد» داشته است. ابومحمد همان

۱. صادقی، «اجاره‌نامه‌چه، قباله‌نامه‌چه، قصبچه»، ص ۱۴۸.

۲. صولی، ادب الکتاب، ص ۱۹۳. خوارزمی، مفاتیح العلوم، ص ۶۹. Encyclopaedia of Islam Rūznāma.

۳. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۲۶۳.

۴. ابن جوزی، المنتظم، ج ۱۴، ص ۲۷۶-۲۷۷، ج ۱۵، ص ۳۴۵.

۵. خوارزمی، مفاتیح العلوم، ص ۵۴. نویری، نهاية الارب، ج ۸، ص ۲۰۰-۲۰۴.

۶. ابوعلی مسکویه، تجارب الامم، ج ۵، ص ۲۲۵-۲۳۶. قلقشنی، صبح الاعشی، ج ۱۳، ص ۱۳۶.

حسن بن محمد بن هارون بن ابراهیم ازدی مهلبی و وزیر معزالدوله دیلمی در بغداد است که از سال ۳۳۹ تا ۳۵۲ وزارت معزالدوله را بر عهده داشت. وی در راه واسط از دنیا رفت و در بغداد دفن شده است.^۱ «روزنامه» صاحب بن عباد در بردارنده برخی تازه‌های ادبی و گزارش‌های تاریخی است که نمونه آن در بیشتر کتاب‌های ادبی و تاریخی یافت نمی‌شود و سندی برای اعتراف‌ها یا از خودگویی‌های روشن نویسنده بر کارها و رفتارهای وی در تنهایی و محافل خصوصی است.

زنده‌یاد بهمنیار، انتخاب نام «روزنامه» را برای شرح وقایع روزانه از نشانه‌های دلبستگی صاحب بن عباد به زبان فارسی می‌داند و می‌نویسد: «دیگر از ادله لطف ذوق و قریحه فارسی صاحب، شرحی است که ثعالبی در جزء دوم بیتمة الدهر در ترجمه احوال و آثار ابوالحسن علی بن هارون بن منجم نوشته و حاکی از آن است که صاحب بن عباد در مسافرت بغداد که ظاهراً در سال ۳۴۷ قمری بوده است، شرح ملاقات و مناظرات و مباحثات خود را با بزرگان و علما و ادبای بغداد در مجموعه‌ای می‌نگاشته و آن مجموعه را «روزنامه» نام نهاده بود...؛ قدیم‌ترین اثری که لفظ روزنامه در آن دیده می‌شود، این خبر است که ثعالبی نقل می‌کند و معلوم نیست صاحب بن عباد واضع و مبتکر این لفظ یا نخستین کسی است که آن را در کتابت به کار برده است [و] نام کتاب نهاده است. و به هر تقدیر ابتکار یا اختیار این ترکیب سلیس و لطیف فارسی از فارسی‌شناسی صاحب بن عباد لطایف و دقایقی را حکایت می‌کند که فقط صاحبان ذوق لطیف آن را درمی‌یابند».^۲

محمد معین خبری را از کتاب معجم الأدباء گزارش می‌کند و بر اساس آن روشن می‌شود که واژه «روزنامه» کمی پیش از صاحب بن عباد نیز کاربرد داشته است. یاقوت می‌نویسد: «وكان المفجع يكثر عند والدي ويطلب المقام عنده، وكنت أراه عنده وأنا صبي بالأهواز، وله إليه مراسلات وله فيه مدائح كثيرة كنت جمعتها فصاحت أيام دخول ابن أبي ليلى الأهواز ونهبت روزناماتها»؛^۳ وفات عبدالمجید بن شیران و مفجع هر دو در سال ۳۲۷ قمری واقع شده است.

تولد صاحب در سال ۳۲۶ قمری است و از آنجاکه او این کتاب را به استادش ابن‌العمید هدیه کرده است و ابن‌عمید در سال ۳۴۹ قمری از دنیا رفته است، می‌توان گفت در همین سفر سال ۳۴۷، یعنی در اواخر وزارت و عمر ابن‌عمید و در حدود ۲۱ سالگی خود این رساله را نوشته است.

۱. ابن‌خلکان، وفيات الاعیان، ج ۲، ص ۱۲۴.

۲. بهمنیار، صاحب بن عباد: شرح احوال و آثار، ص ۱۳۶.

۳. حموی، معجم الأدباء، ج ۵، ص ۲۳۴۳.

همان طور که گفته شد، نخستین کسی که از این رساله منقولاتی در کتاب خود بیان می‌کند، ثعالبی نیشابوری است. پس از او نیز یاقوت حموی نیز نقل‌هایی از این رساله در کتاب خود آورده است. با نگاهی به منقولات یاقوت در معجم الادبا می‌توان دریافت که منبع اصلی او کتاب یتیمه الدهر ثعالبی بوده است.

رساله «روزنامه» حدود هفت قرن مفقود بود؛ از این رو برخی از پژوهشگران در آثار خود تنها بر نقل‌های پیشینیان تکیه و تأکید کرده‌اند که این رساله دستیاب نیست.^۱ محمدحسن آل یاسین این رساله را بر اساس نقل‌های کهن بازسازی کرده و نسخه‌ای از این رساله در دست نداشته است. به هر روی همین اندک بخش‌های در دست، خواننده امروزی را با برخی رفتارهای صاحب بن عباد در دوره جوانی آشنا می‌کند و از وضعیت ادبی بغداد در سده چهارم نشانه‌هایی به دست می‌دهد؛ همچنین نشان می‌دهد که صاحب بن عباد به شیوه برخی رجال سیاسی هم‌روزگار ما شیفته یادداشت‌نویسی یا خاطره‌نویسی روزانه بوده است.

۵۵

آینه پژوهش | ۲۱۹
سال ۳۷ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۵

نسخه کهن «روزنامه» از دیار نیشابور

چندی پیش مشغول بررسی نسخه‌های کهن کتابخانه آستان قدس رضوی بودم و اتفاقی به مجموعه‌ای کهن از رساله‌هایی ارشمنند برخورد کردم. این مجموعه به شماره ۱۲۵۰۲ شامل رساله تدبیرالصحة بالمطعم و المشرب ابوزید حنین بن اسحاق العبادی (م ۲۶۱ - ۲۶۴ ق)، رساله اظهار مساوی شعر ابی الطیب المتنبی صاحب بن عباد و رساله روزنامه صاحب بن عباد است. این مجموعه به خط یک کاتب در شنبه سیزدهم جمادی الآخر سال ۳۹۶ قمری یعنی یازده سال پس از وفات صاحب بن عباد در نیشابور کتابت شده است. نسخه خطی روزنامه دارای ۴۰ برگ و به خط نسخ کهن بر روی کاغذ حنایی با جلد تیماج قهوه‌ای ساده کتابت شده است.^۲ متأسفانه کاتب آن مشخص نیست.

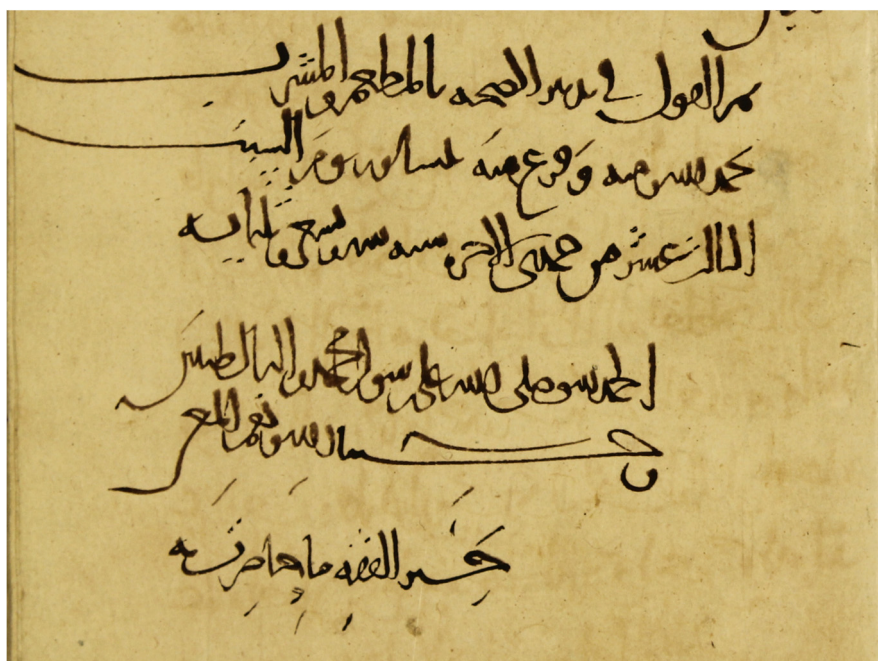
آغاز: «بسم‌له کتابی اطال الله بقاء مولانا الاستاذ الرئيس و ادام علوه و امور الحضرة البهية منتظمة بيمين كفايته و الحمد لله شكر النعمة و وصل كتاب سيدنا ادام الله عزه جوابا عن كتاب عبده الخ».

انجام: «فخاطب مولينا بما انفذته و هو ا ادام الله... يطالعه ان شالله».

1. P44, Licit Magic: The Life and Letters of al-Şāhib b. 'Abbād, Pomerantz.

۲. عرفانیان، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی بخش طب، ج ۱۹، ص ۲۴۴.

می‌توان گفت یگانه نسخه ارشمنند این رساله در دنیا در کتابخانه آستان قدس رضوی محفوظ است و قرن‌ها کسی از نسخه خطی این رساله اطلاعی نداشته است.



گزارشی از محتوای رساله «روزنامه»

رساله «روزنامه» اثری منحصر به فرد در ثبت مشاهدات فرهنگی، ادبی، هنری و اجتماعی بغداد و موصل در قرن چهارم هجری است. مؤلف که خود شخصیتی آگاه به ادب، موسیقی و علوم روزگار بوده است، این یادداشت‌ها را همچون دفتر روزانه‌ای تنظیم کرده و وقایع را با جزئیاتی کم‌نظیر، از معاشرت با رجال و وزرا تا حضور در مجالس بزم و مناظرات علمی روایت کرده است. متن با مقدمه‌ای آغاز می‌شود که جایگاه نویسنده و زمینه نگارش اثر را به روشنی بیان می‌کند و خواننده را از همان ابتدا با فضای فرهنگی زنده بغداد آشنا می‌گرداند. روایت‌های آغازین با دیدار نویسنده از قاضی ابن قریعة پی گرفته می‌شود؛ قاضی که به نکته‌سنجی و ظرافت سخن مشهور است، در مجلس ابو محمد مهلبی وزیر با مطایبات و حکایات شوخ طبعانه، فضای صمیمی و طنزآلودی را رقم می‌زند. از جمله پاسخ مشهور او به تعریف «القفا» که با چهار حد توصیف می‌شود، در مجلس خنده برمی‌انگیزد و نمونه‌ای از سبک گفتار و شوخ طبعی اهل فضل را به دست می‌دهد.

پس از این واقعه، مجلس تعزیه‌ای روایت شده است که ابومحمد مهلبی برای ابوالفضل صاحب البرید برپا می‌کند؛ این مجلس با حضور رجال دولت است که نشان‌دهنده جایگاه اجتماعی متوفی و آیین‌های سوگواری در دربار است. در ادامه، صحنه‌ای از آوازه‌خوانی سُلافه، کنیز و نوازنده محبوب ابو محمد در دارالاماره ثبت شده است که با نواختن طنبور و ادای قطعات غنایی، شور و نشاطی خاص به مجلس می‌بخشد. این روایت همراه است با دیدارهایی دیگر با ابومحمد و حضور دو تن از خاندان علمی و هنری بنی‌المُنَجِّم که پیوند دیرین علم نجوم، شعر و موسیقی با محافل سیاسی و فرهنگی را آشکار می‌کند.

دسته‌ای از یادداشت‌ها به حضور در «حجره ریحان» اختصاص دارد؛ مکانی خوش‌منظر با حوضی که آب دجله در آن جاری است، پوشیده با پرده‌های فاخر و محل برگزاری مجالس غنا. آوازخوانی جاریه ابن مقله در این مکان، نمونه‌ای روشن از سطح هنری اجراها در دربار است. سپس نویسنده به جامع الرصافه می‌رود و با ابوسعید السیرافی، نحوی و ادیب برجسته در باب بحور شعر و مسائل عروضی و نیز نکات نحوی کتاب المقتضب و شرح سیبویه مناظره می‌کند. این دیدار علمی، چهره دیگری از رساله را نشان می‌دهد که فراتر از روایت‌های اجتماعی، ارزش ادبی و زبان‌شناختی دارد.

سفر به موصل همراه با امیر معزالدوله و ملاقات با فرزندان ابوالحسن علی بن هارون المُنَجِّم، بخشی جامع از روابط میان دستگاه حکومتی و خاندان‌های علمی - هنری را بازگو می‌کند. نویسنده مهارت‌های آنان در شعر، موسیقی و ادب را می‌ستاید و توجه خاصی به نوازندگان برجسته‌ای چون ابوالحسن بن طرخان (طنبور) و ابن طوماد (عود) دارد. ملاقات با ابوالفضل بن عبدالرحمن شیرازی نیز در همین سلسله دیدارها ثبت شده است.

در صفحات میانی، حضور نویسنده در مجالس ابوبکر بن المقسّم و قاضی ابوبکر بن کامل، مجال نقاشی دقیقی از نشست‌های علمی و مباحث لغوی، حدیثی و نحوی فراهم می‌آورد. سپس یادداشت‌هایی از حضور در مجالس متکلمان معتزله، شیعه و مجبره آمده است؛ هرچند ابو عبدالله بصری، ادیب و متکلم، از ورود به جدال‌های کلامی خودداری می‌کند. دیدار با ابوالقاسم البریدی با توصیفاتی در سطح ستایش‌های قرآنی بیان شده است و نشان از احترام و اعتبار والا در نگاه نویسنده دارد.

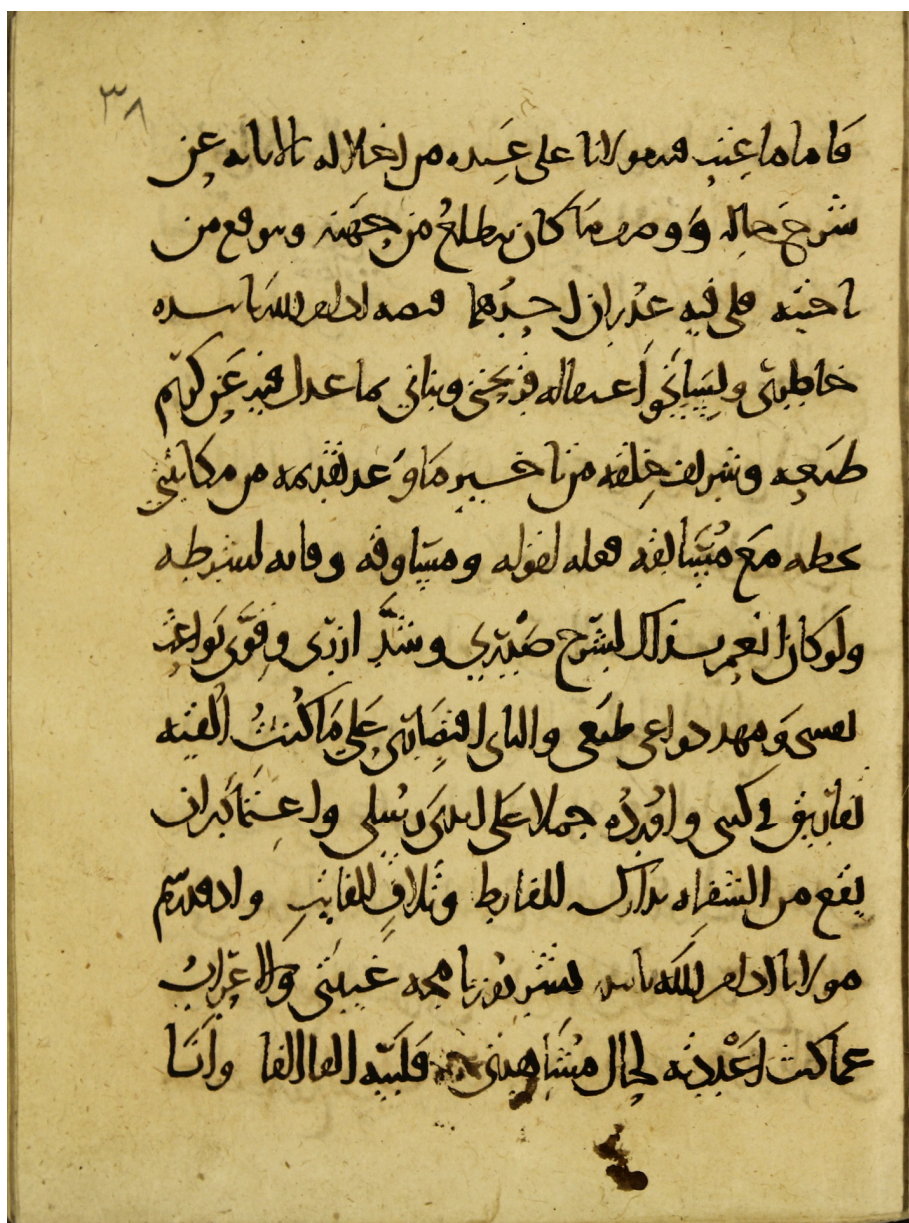
بازگشت به «عکبرا» همراه ابومحمد مهلبی با صحنه‌های بزم، موسیقی و شعرخوانی روایت می‌شود؛ جایی که محفل‌های شامی و دجله‌ای با حضور غلامان و خوانندگان دوباره بازآفرینی

می‌گردد. ملاقات با ابوالفرج محمد بن العباس دبیر معزالدوله و نیز ثبت مراسم عید مسیحیان در بغداد، تنوع فرهنگی و مذهبی شهر را باز می‌تاباند و نشان می‌دهد که بغداد آن زمان شهری چندفرهنگی با آیین‌های مشترک و متفاوت بوده است.

در بخش پایانی، ماجرای نامه‌نگاری ابوالقاسم عیسی بن علی بن عیسی بن داوود بن جراح به ابو محمد مهلبی، بازگشت معزالدوله از موصل، حضور ابومحمد در کنار دجله و سرودن ابیات، حلقه‌ای دیگر از ارتباط شعر و سیاست را آشکار می‌کند. ملاقات‌های پیاپی با ابومحمد و سپس دیدار با ابن‌سمعون متصوف با ذکر اوصاف ظاهری، رفتار و گفتگوی کوتاه فلسفی، دامنه روایت را به جهان عرفان و زهد می‌کشاند. آخرین دیدار با ابومحمد مهلبی پایان بخش بخشی مهم از خاطرات و مشاهدات نویسنده است؛ مجموعه‌ای که در آن زنجیره‌ای از وقایع، اشخاص و مکان‌ها با انسجامی چشمگیر کنار هم نشسته‌اند.

این گزارش، تصویری یکپارچه اما چندلایه از حیات فرهنگی، هنری، علمی و سیاسی در نیمه دوم قرن چهارم هجری ارائه می‌دهد؛ جایی که شعر، موسیقی، مناظره علمی، آیین‌های اجتماعی و روابط درباری درهم تنیده‌اند و با دقت و ظرافت ثبت شده‌اند؛ به همین سبب «روزنامه» را باید نه تنها یک خاطره‌نامه، بلکه سندی زنده و منبعی دست‌اول برای مطالعات تاریخ اجتماعی، ادبی و موسیقی این دوره دانست.

بسم الله الرحمن الرحيم
 رساله الصالحين المسمي سراج عباد الله الى الابد
 للشيخ الفاضل الميرزا محمد باقر الطهراني المعروف بالرفيع في ذكر ما
 كان عليه من فضائله ^{له مع} ساد الناس وادبهم وعلومه وادبهم
 الهمة مستطعة من فضله والحمد لله شكرا المجد
 ووصل كما دسدا لاله الله عز وجل باعز كاد عباده ما وصل
 من فله لسكانه ما سر لاهم سلامه ما عاد لاهم وقد عزب
 واطلج لاهم وقد عزب وانشطه من غفالههم وانشطه
 لا اساطير في فضله ووهبه من فقهه من فقهه ووعده الى الله
 وادله داهم مولانا عافيه والعباد الجاهل عن فناءه وبلاده
 ووجهه لاهم في ذلك يشهد السبل الى خبره واهم الامام
 من الكمال الغيرة له لاهم قد واداهم جليل



۶۰

آینه پژوهش | ۲۱۹

سال ۳۷ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۵

۵۷

والله في كل يوم فاعره واطعه عدلا ولو جمعه رقد
 حفر عليه بعض ما كان منه الا اني سمعت الكتاب الى الدنيا
 رسالي ان اودعه واطاع الى الاستاذ والامام له
 بعد كادف نحو محاسن من سباه واقفه والعلل من جملة من
 ان سلسله حقه في زعمه والا فانه بعد السبق في باب
 من المحل في الامم بعد ما علم

كتاب سدا الاساد الرسا له سدها اذا ورد على
 خطه اسد على كاي مرله وانا اياي الخ في محال صفي
 وكا عني شافني لما نشبه له بعد شيف ان يكون
 ليطر حرق صول الكتاب وهو عمل سده من الاجساد
 وسده له على كل حال لا سده على كل حال ما استطع
 سكره في شيه وان جاز ان يسمي مولانا الغريقه

کتاب‌نامه

- ابن اثیر، علی؛ الکامل؛ به کوشش ابوالفدا عبدالله قاضی؛ بیروت: [بی‌نا]، ۱۴۱۵ ق.
- ابن جوزی، عبدالرحمان؛ المنتظم؛ بیروت: [بی‌نا]، ۱۳۵۸ ق.
- ابن خلکان، ابوالعباس؛ وفيات الأعیان و أنباء أبناء الزمان؛ تحقیق: احسان عباس؛ بیروت: دارالفکر، ۱۹۹۴ م.
- ابوعلی مسکویه، احمد؛ تجارب الامم؛ به کوشش ابوالقاسم امامی؛ تهران: سروش، ۱۳۷۷ ش.
- امین، محسن؛ اعیان الشیعة؛ تحقیق: حسن امین؛ ج ۵، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۲۰۰۰ م.
- بهمنیار، احمد؛ صاحب بن عباد: شرح احوال و آثار؛ به کوشش محمدابراهیم باستانی پاریزی؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۴ ش.
- ثعالبی، عبدالملک؛ یتیمه الدهر؛ به کوشش عبدالله بن حمد منصور؛ ریاض: [بی‌نا]، ۱۹۹۷ م.
- حموی، یاقوت؛ معجم الادبا؛ تحقیق: احسان عباس؛ بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۳ م.
- خطیب بغدادی، احمد؛ تاریخ بغداد؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی‌تا].
- خوارزمی، محمد؛ مفاتیح العلوم؛ به کوشش فان فلوتن؛ لایپزیگ: [بی‌نا]، ۱۸۹۵ م.
- صادقی، علی اشرف؛ «اجاره‌نامه‌چه، قبالة‌نامه‌چه، قصبچه»؛ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، س ۱۹، اسفند ۱۳۵۱.
- صولی، محمد بن یحیی؛ ادب الکتاب؛ تحقیق: محمد بهجة اثری؛ قاهره: المكتبة العربية، ۱۳۴۱ ق.
- عرفانیان، غلامعلی؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی؛ ج ۱۹، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰ ش.
- قلقشندی، احمد؛ صبح الاعشی؛ به کوشش یوسف علی طویل؛ دمشق: [بی‌نا]، ۱۹۸۷ م.
- معین، محمد؛ مجموعه مقالات؛ به کوشش مهدخت معین؛ تهران: مؤسسه انتشارات معین، ۱۳۶۷ ش.
- نویری، احمد؛ نه‌ایة‌الارب؛ قاهره: وزارة الثقافة و الارشاد القومي، [بی‌تا].

C.E. Bosworth. Encyclopaedia of Islam New Edition. Rūznāma.

Pomerantz. Licit Magic: The Life and Letters of al-Şāḥib b. ‘Abbād. BRILL, 2018.

